

## خبرنامه ندای سرخ را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

### خیر مقدم!

اخیراً بیانیه ای از هسته ای نو بنیاد بنام «هسته کمونیسم انقلابی (هکا)» به دست ما رسید. جنبش کمونیستی ایران، پس از دهه ها رکود و تسلط انواع خط مشی های رفرمیستی و ضد انقلابی می رود تا محتوای انقلابی خود را باز یافته و تبدیل به زایشگاهی برای نسل جدیدی از انقلابیون کمونیست شود. ندای سرخ ضمن خیر مقدم به این رفقا و جهت نشان دادن همراهی و همدلی به انتشار و توزیع این بیانیه اقدام می کند و امیدوار است با در نظر گرفتن شرایطی که اینک در آن بسر می بریم، این رفقا هر چه سریعتر خود را برای برقراری ارتباطی خلاق با دیگر گروه ها و هسته های این جنبش در جهت اتحاد عمل و هماهنگی و نهایتاً ایجاد حزب طبقه کارگر ایران اقدام نمایند.

«ندای سرخ»

29 مرداد 1388

## باز خوانی اهداف یک ادعا: جمهوری ایرانی

هسته کمونیسم انقلابی (هکا)

اگرچه تنها 2 ماه از نمایش انتخاباتی حاکمیت، خیزش توده ای مردم و سرکوب وحشیانه پس از آن می گذرد، اما به نظر می رسد در این برهه از تاریخ کشور گونه ای فشردگی زمانی روی داده است و این این بدان معناست که تراکم و انباشت پدیده های موثر و کنش های مبارزاتی صورت گرفته در یک توالی و ارتباط پیچیده، در این بازه زمانی کوتاه مدت اما تعیین کننده، توانسته افق و چشم انداز خواسته ها و مطالبات مردم را با آهنگی پرشتاب دگرگون کرده، و در نتیجه مسیر و شیوه های مبارزاتی مردم را متناسب با اهداف و خواست جنبش به طور کامل تغییر دهد. در حالی که جنبش در اولین روزهای تولد خود بر محور اعتراض به تقلب گسترده انتخاباتی شکل گرفته بود و از این رو مهمترین شعارهای مطرح شده در اجتماعات روزهای نخست به شعارهایی مبتنی بر ابطال انتخابات، بازپس گیری رای و امثالهم خلاصه می شد<sup>1</sup>؛ و به تبع آن نحوه برگزاری اعتراضات هم به صورت تظاهرات گسترده سکوت نمود یافته و تاکید اغراق آمیزی بر مسالمت آمیز بودن اعتراضات از سوی اصلاح طلبان تبلیغ می شد. اما سیر حوادث، به ویژه خشونت و سببیت اعمال شده از سوی حاکمیت که منجر به خاک و خون کشیده شدن شمار زیادی از معترضین شد، همچنین ناتوانی و ناکامی اصلاح طلبان در به دست گرفتن سکان رهبری اعتراضات، چشم انداز دیگری را در برابر حرکت اعتراضی مردم به عنوان آلترناتیو وضع موجود قرار داد. البته این که در این برهه این چشم انداز و نگرش براندازانه به کل حاکمیت جمهوری اسلامی محور اعتراضات مردم از 30 خرداد به بعد قرار گرفته است بدین معنا نیست که تا پیش از آن خواست و ضرورت چنین تحولی در جامعه وجود نداشته است؛ بلکه صرفاً تاکید می است بر این امر که در شرایط فعلی بر خلاف گذشته این خواست نه تنها به عنوان امری ضروری بلکه برای انبوه توده ها ممکن و قابل حصول به نظر می رسد؛ خون ها ریخته و دارها برپاشده و از این رو شمارش معکوس عمر جمهوری اسلامی نیز به ناگزیر آغاز شده است.

بنابراین می توان 30 خرداد را نقطه عطفی در تاریخ جنبش انقلابی مردم ایران دانست که حافظه تاریخی نسل های مختلف حاضر در این جنبش را به هم پیوند می دهد. چه آنان که در کوران مبارزات انقلابی سالهای دهه 50 و تصفیه های خونین دهه 60 حضور داشته اند و چه نسل جوانی که به ناگزیر فرزند دوره حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بوده اند، در 30 خرداد برای نخستین بار در قالبی توده ای و فراگیر در کنار هم، دوشادوش هم در برابر کلیت نظام جمهوری اسلامی ایستادند. از 30 خرداد بود که شعارها رنگ و بویی دیگر گرفت: از الله اکبرها کاسته و بر مرگ بر دیکتاتورها افزوده شد. به تدریج این تصاویر شهدا و بازداشت شدگان حوادث اخیر بودند که به عنوان قهرمانان واقعی مردم جایگزین تصاویر موسوی و کروبی شدند. از سوی دیگر نوک پیکان شعارها از احمدی نژاد و تیم برگزارکننده انتخابات به سوی محور اصلی شر رژیم یعنی ولایت فقیه تغییر جهت داد. "خامنه ای قاتله، ولایتش باطله" یا "مجتبی بمیری، رهبری را نبینی" اگر چه همچنان شعارهایی رادیکال به معنای فراروی از کلیت نظام نبوده و نیستند اما حاکی از چرخش بنیادین چشم انداز جنبش هستند. هرچند تجربه تظاهراتی به گستردگی راهپیمایی چند میلیونی روز 25 خرداد دیگر تکرار نشد اما تجمعات و اعتراضات پس از 30 خرداد به مراتب موثرتر و تعیین کننده تر از راهپیمایی روزهای نخست خیزش بودند. و این نه تنها به دلیل پخته تر شدن مبارزین در فرایند جنبش و نیز جریحه دار شدن احساسات عمومی مردم پس از کشتارها و سرکوب خشونت آمیز صورت گرفته از سوی رژیم و در واقع در یک کلام به دلیل رادیکال شدن فرم مبارزات بود بلکه از

<sup>1</sup> برجسته ترین آنها که اتفاقاً بیشترین بازتاب و مقبولیت در میان مردم را داشتند عبارت بودند از "رای من کجاست؟" و "رای ما را دزدیدند، دارند باهاش بز می دهند" و در رادیکالترین نمود آن "کشته ندادیم که سازش کنیم، صندوق دست خورده شمارش کنیم" و...

## خبرنامه ندای سرخ را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

همه مهمتر به دلیل رادیکالیزه شدن محتوای خواست ها و اهداف این جنبش بود که شیوه های خلاقانه و ابداعی خاص خود را نیز از پی این چرخش با خود به همراه آورد. در حالیکه امثال سازگارا و گنجی و .. بسیاری دیگر به خیال خویش در این توهّم بوده و هستند که به فرم و اشکال مبارزه انقلابی مردم ایران شکل می دهند و آن را هدایت می کنند این خواست عمومی و افق رادیکال کنونی جنبش است که اشکال تازه ای از مبارزه را فرا روی حرکت مردم قرار می دهد و این توده های در خیابان هستند که خواسته ها و روش های خود را به موسوی و کروبی و سایر مدعیان داخلی و خارج نشین رهبری جنبش تحمیل می کنند. به یاد داشته باشیم که رهبران انقلاب و شیوه های مبارزه موثر از دل مبارزات عینی مردم به وجود می آیند و تجربه مبارزاتی حوادث اخیر گواهی بر این مدعاست. اعتراضات گسترده و پراکنده در سطح شهر و در محلات مختلف همراه با سر دادن شعارهای رادیکال و حتی گزارشاتای دال بر سازماندهی معترضین در محلات که نیروهای سرکوبگر را دچار استیصال و سردرگمی کرده بود تنها مثنی است نمونه خروار ظرفیت انقلابی جنبش که تا چندین ماه قبل به ذهن خوشبینانه ترین افراد نیز خطور نکرده بود. معتقدیم اگرچه هنوز تمامی ظرفیت های انقلابی حرکت مردم به شکل بالفعل و در شعارهای اعتراضی مطرح نشده و آنچه تاکنون نمود یافته نفی و طرد نظام موجود است و نه تلاش برای استقرار بدیلی برای آن، اما زین پس این جنبش بی هیچ تردید جنبشی براندازانه و انقلابی است و در قالب نسخه های رفرمیستی قابل مهار نخواهد بود.

اما در این میان به یکباره خبر سر دادن شعار تازه برخی تحلیلگران سیاسی و نیروهای فعال اعم از راست و به اصطلاح چپ را ذوق زده کرد و ایشان چنان عنان از کف دادند که گویی نه تنها مرگ رژیم فرارسیده بلکه آترناتیو مترقی آن نیز ساخته شده است: "استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی"

فارغ از بحث صحت شیوع و اقبال به این شعار درمیان معترضین روزهای اخیر این سوال مطرح می شود که چه گروه هایی و با چه رویکردی سعی در تئوریزه کردن محتوای این شعار و غالب کردن آن به عنوان آترناتیو رژیم دارند. پر واضح است که تبلیغ این شعار به عنوان شعار راستین جنبش از سوی لیبرال ها و هم صدا شدن آنها با طرفداران ناسیونالیسم شووینستی با چه انگیزه ای صورت گرفته است. این گراپشات با استفاده از احساسات عرب ستیزی تاریخی که همچنان در میان مردم طرفدارانی دارد و همچنین نگرش های ضد اسلامی افرادی که موهبات 30 سال حکومت اسلامی را با گوشت و پوست خویش حس کرده اند، سعی در القاء این دیدگاه داشته اند که تنها یک جمهوری ایرانی - بخوانید جمهوری شووینستی ایرانی- با اغراق در بعد فرهنگی- هویتی می تواند رهروان راه آزادی و استقلال را از بلای رژیم حاکم رها کند و به سر منزل مقصود رساند.

اما آنچه ضرورت پرداختن به این شعار را برای ما در این مجال می سازد رویکرد مرتجعانه و حمایتی برخی از افرادی است که داعیه پیروی از خط مثنی مترقی و بعضاً سوسیالیستی دارند. از نظر ما وجود چنین گراپشی در درون نیروهای اپوزیسیون ریشه در معضلی تاریخی دارد: فقدان حافظه تاریخی که بیماری مزمن نسل فعلی است. یادآوری خاطرات تاریخی اگر چه دردناک اما ضروری است. برای جلوگیری از تکرار کمدهی وار یک تراژدی گریزی از بازخوانی تاریخ و حفظ حوادث تاریخی در ذهن جمعی یک ملت نیست. روزهایی را به یاد آوریم که برای نخستین بار واژه نامانوس جمهوری اسلامی در کوران حوادث انقلاب ظهور کرد. آن زمان که در مقابل نظام سلطنتی به عنوان تنها گزینه ی ممکن و مشروع به توده ها به دلیل غفلت نیروهای مترقی با ناباوری تحمیل شد، بسیاری به این دل خوش کرده بودند که پسوند اسلامیت نشانگر اکثریت مسلمان در ایران است و تنها وجه تمایزی است صوری با سایر نظام های جمهوری و نه در تقابل محتوایی با آنها. اما شناخت و درک واقعی از ماهیت جمهوری اسلامی و معنای اصلی پسوند اسلامی آن چندان به درازا نکشید و همه از موهبات این نظام اسلامی بهره بردند. اگر در اوان طرح این شعار نیروهای مترقی با داشتن پایگاه عظیم مردمی در قبال آن موضع گیری کرده و صرفاً از منظر فرمالیستی به آن نمی گریستند به طور قطع مجاب کردن توده ها برای سردمداران رژیم به برگزیدن تنها آترناتیو موجود کار آسانی نبود.

اکنون نیز زدودن واژه اسلام از جمهوری اسلامی از بار استثمار و فاشیستی نظام سرمایه داری در ایران نمی کاهد و هرگز نگرشی مترقی و رادیکال را نمایندگی نمی کند. نظام سرمایه داری حاکم در ایران چه با پسوند چه بدون آن نظامی است یکپارچه مبتنی بر استثمار که برای بازتولید مشروعیت خود بنا به مقتضیات زمانه از پسوند و پیشوندی استفاده می کند.

در حال حاضر جمهوری ایرانی نیز در خوش بینانه ترین حالت ظرفی است تهی که آینده سیاسی ایران و مناسبات قدرت و سرمایه مظلوم آن را تعیین خواهد کرد و در بدبینانه ترین وضعیت خواست طیف راست افراطی سکولار را نمایندگی می کند. ما معتقدیم ساختن بدیلی سوسیالیستی برای جمهوری اسلامی ایران جز با نفی کلیت یکپارچه آن میسر نیست. با بار کردن ارزشی مضاعف و فرمالیستی بر یک شعار نمی توان پایه های ایدئولوژیک آن را متزلزل ساخت. بهای هم صدا و هم گام شدن با راست ترین نیروهای اپوزیسیون برای چپ پس گراف خواهد بود. تاوانی که یکبار با پذیرش شعار "استقلال آزادی جمهوری اسلامی" یا دست کم موضع گیری نکردن در قبال آن به سنگین ترین وجه ممکن و به هزینه کل جامعه پرداخته شد. ما همه نیروهای مترقی و انقلابی را به موضع گیری و نفی تبلیغ و ترویج این شعار فرامی خوانیم.

انتشار و توزیع به حمایت از «هسته کمونیسم انقلابی(هکا)» از «ندای سرخ» 29 مرداد 1388